



# کتابخانه ارزشمند کار تاریخ

ابوطالب هارونی یا الناطق بالحق این نویسندگان یا اساساً زیدی نبودند و یا اینکه گر چه زیدی بودند التفاتی به این نکته نداشتند. از این رو او در کتاب الحدائق فی اخبار ذوی السوابق به اخبار امامان زیدی پرداخت ولی آنگاه که به اخبار سیدالشهدا رسید، به دلیل مشغله‌های دیگر کار را رها کرد و به مختصری که الافاده نام گرفت، مشغول شد و تصمیم گرفت که اخبار امامان را در این مختصر بگنجاند. نکته‌ای که ابوطالب در باب کتب اخبار آل ابی طالب و مقاتل آنان گفته است، بسیار حائز اهمیت است و ما در مقاله‌ای که درباره ادبیات مقاتل نویسی نوشته‌ایم، به این نکته توجه کرده‌ایم. به هر حال ابوطالب هارونی بر اساس اسامی امامان زیدی که در مقدمه کتاب الاحکام الیهادی الی الحق یحیی بن حسین (۱ / ۴۲ - ۴۳) یاد شده‌اند و تنی چند از امامان پس از دوره الیهادی (د. ۲۹۸ ق) تا عصر ابو عبدالله محمد بن الحسن الداعی کتاب خود را تنظیم و تدوین کرده است. یعنی پس از حضرت امیر و حسین (ع)، به ذکر زید بن علی، یحیی بن زید، محمد بن عبدالله نفس زکیه و برادرش ابراهیم، حسین بن علی فحّی، یحیی بن عبدالله بن حسن، محمد بن ابراهیم طباطبای، قاسم بن ابراهیم رسی، الیهادی الی الحق یحیی بن حسین، ناصر کبیر اطروش، داعی حسن بن القاسم، فرزندان الیهادی یعنی المرتضی محمد و الناصر احمد و دست آخر المهدی لدین الله محمد بن الحسن الداعی پرداخته و اخبار و «سیر» هر یک از آنان را بازگو کرده است. با توجه با آنچه که ابوطالب هارونی در باب کتابش گفته، می‌باید گفت که کتاب او از نوع کتب مقاتل نیست، بلکه می‌بایست این کتاب را در نوع ادبی کتب «سیر» دانست. این نوع کتابها که در فرهنگ زیدیّه از پیشینه‌ای کهن برخوردارند، مؤلفاتی تاریخی هستند که از منظر ایدئولوژی فرقه، به «دعوت» می‌نگرند و تاریخ آن را پس از آنکه دعوت در شکل فرقه نهادینه شد، باز می‌نویسند. این ادبیات

و یلمع مادونیک، استاد اسلام‌شناس نامدار در سلسله «صوحن و مراسل» (شماره ۲۸) (المعهد الامالی للاحکام الشرقیة بیروت) زناشر: فرانتس بولسوا، به سال ۱۸۸۱ م. کتابی بر سر ارزشمند به چاپ رسانید که با عنوان اخبار ائمة الزیدیة طبرستان و کینمان و ججان برای اهل تحقیق دوباره تاریخ خاندان حکومتگر زیدی در شمال ایران شناخته شده است. طبعاً این کتاب برای محققانی که در رشته تاریخ سرزمینهای جنوب دریای مازندران و فرقه زیدیّه تحقیق می‌کنند، کمی نیست. سیر ارزشمند و اساسی، بویژه که مکتوب محقق است که هم رساله دکتری وی درباره امام القاسم بن ابراهیم و شاید کتبی زیدیان است. (برای سیر ۱۹۶۵ م) در این زمینه صاحب نظر ما به حال نگارنده کتابها از زیدیّه تصحیح کرده و مقالات متعددی در باب عقاید و تاریخ و فقره زیدیّه تدوین نموده است. بخش از کتاب اخبار ائمة الزیدیة ملازمه که به زیدیّه در کتاب الافاده فی تاریخ الاحکام الیهادی ابوطالب هارونی است. این محقق مریدان زیدیّه نام یحیی بن عبدالله، فرزند عبدالله محض و برادر نفس زکیه و الناصر المارونی و ابو عبدالله المهدی ابن الداعی امامان و امیران زیدی طبرستان می‌باشد. خوشبختانه هم اینک کتابی که در کتاب الافاده در اختیار پژوهشگران است. این کتاب تاریخ امامان زیدی است تا زمان ابو عبدالله ابن داعی.

ابوطالب هارونی در مقدمه کتاب می‌نویسد که کتاب الافاده صرفاً در مقام جمع اخبار امامانی زیدی است که مقام امامت داشته‌اند و در این کتاب به ذکر فاطمیانی که به قصد «امر به معروف و نهی از منکر» قیام کردند ولی ادعای امامت نداشتند چرا که شرائط آن را برخوردار نبودند، نمی‌پردازد. وی می‌افزاید که کسانی که از میان اصحاب اخبار و تواریخ، کتب «مبینه» (یعنی انقلابیون فاطمی) را نگاشته‌اند امامان را از کسانی که صرفاً در مقام امر به معروف و نهی از منکر بودند، جدا نکرده و همه را در شمار «مبینه» قرار داده‌اند چرا که آنان صرفاً می‌خواسته‌اند اخبار ثائرتین و انقلابیون علوی و فاطمی را جمع کنند بی‌آنکه بخواهند امامان اهل بیت که طاعت آنان واجب است را معرفی کنند. به نظر

## ● حسن انصاری قمی

- الافاده فی تاریخ ائمة الزیدیة
- یحیی بن الحسین بن هارون الهارونی الحسینی (۳۴۰ - ۴۲۴ ق)
- الافاده فی تاریخ ائمة الزیدیة
- حقه و علق علیه: محمد یحیی عزان
- دارالحکمه الیمانیة، صنعاء
- ط ۱، ۱۴۱۷ ق / ۱۹۹۶ م



# امامان زبک از موافق کابر

تاریخ نگاری گرچه از لحاظ شکلی تألیفاتی تاریخی به شمار می آیند ولی در واقع ضمن یک مجموعه روایی تاریخی، گفتمان ایدئولوژیک فرقه را باز می تابانند، در این گفتمان، مبانی «دعوت» و منظر رهبران دعوت نسبت به تاریخ مقدس و نقش تاریخی آنان در امت به عنوان جماعت / حزب الله تبیین می شود. طبیعی است که در کنار تبیین مبانی نظری دعوت که در زبده براساس اصل امر به معروف و نهی از منکر است، سلوک عملی امام جماعت نیز در امتداد سیره و سنت حضرت رسول (ص) به عنوان الگوی اصلی و اساسی دعوت، تشریح می شود. این کتابهای تاریخی / روایی به دلیل اشتغال بر سیر امامان، سیر خوانده می شوند، گر چه گاه کتب سیر از محتوای تاریخی / روایی خالی بود و صرفاً درونمایه ای نظری داشت. البته باید توجه داشت که کتب سیر مجموعاً در میان زبده، از سوی پیروان امامان زیدی برای هر یک از امامان بطور مستقل نگاشته می شد ولی از دوره ابوالعباس حسنی به بعد، این کتابها ضمن اینکه برای هر یک از امامان عموماً نوشته می شد، در تحولی دیگر در ادبیات تاریخ نگاری فرقه ای، معمول شد که اخبار و «سیر» امامان را یکجا جمع کنند و آن را در اختیار پیروان فرقه قرار دهند. تفاوت میان کتبی مانند الافاده با کتابهایی از قبیل مقاتل الطالبيين ابوالفرج اصفهانی نیز از همینجا برمی خاست که کتاب الافاده صرفاً کتابی اخباری / تاریخی نیست، بلکه مشتمل بر سیر امامان است که طبعاً به عنوان یک منبع فقهی / کلامی برای پیروان فرقه زبده بکار می رفت و در دوره دعوت یا دولت، راهنمای عمل امامان بود. ما در مقاله ای دیگر که پیشتر در مجله معارف به چاپ رسید، برخی سیر امامان زیدی را که به قلم پیروان و دوستان و اصحاب آنان نوشته شده بود، معرفی کردیم،<sup>۱</sup> در اینجا اشاره وار برخی دیگر از سیر امامان زیدی را به عنوان درآمدی بر بحث از کتب اخبار امامان زیدی و از جمله

الافاده معرفی می کنیم:

سیره الامام شرف الدین، تألیف حسن بن محمد زریقی (د ۹۶۰ ق) که سیره شرف الدین یحیی امام المتوکل (د ۹۶۵ ق) است؛ صلاح بن داود مرهبی (ق ۱۰) نیز سیره همین امام را نوشته است؛ سیره الامام علی بن صلاح الدین تألیف یحیی بن القاسم علوی و تکمیل فرزندش الناصر (ق ۹) در سیره علی بن صلاح الدین المنصور (د ۸۴۰ ق)؛ سیره الامام القاسم، تألیف احمد بن الحسن الجرموزی (حدود سال ۱۱۱۵ ق) که سیره امام قاسم بن محمد بن علی المنصور بالله (د ۱۰۲۹ ق) است و نیز گویا الذرة المضيئه نیز داریم که تألیف محمد بن احمد الجرموزی العتمی است و در سیره همان امام زیدی، که حسینی اشکوری (ط ۴۵۸/۱) از آن نام برده و نمی داند ارتباط آن یا سیره احمد بن حسن جرموزی چیست؟!؛ سیره ای برای المؤید بالله ابوالحسن هارونی، جز سیره ای که المرشد بالله نوشته است، نام برده اند به نام الذخر المؤید فی سیره المؤید منسوب به شیخ ابوطالب فارسی؛ الجوهره المنيرة من عيون أخبار السيرة از مطهر بن محمد جرموزی یمنی (د ۱۰۷۷ ق) که سیره امام المؤید محمد (د ۱۰۵۴ ق) فرزند قاسم بن محمد بن علی المنصور بالله است؛ همین شخص النبذة المشيرة الی جمل من عيون السيرة دارد در سیره امام المنصور بالله قاسم پدر المؤید و قطعاً این سیره همان سیره ای است که اشکوری تحت عنوان الذرة المضيئه فی السيرة القاسمية از مطهر بن حسن جرموزی (د ۱۰۷۷ ق)؟! نام برده است (۱/ ۴۵۹) النبذة به چاپ هم رسیده است؛ سیره الامام المتوکل از احمد بن حسن جرموزی پیشگفته که سیره المتوکل علی الله اسماعیل (حک تا ۱۰۸۷ ق) است؛ سیره الامام المتوکل از حسام الدین محسن بن حسن روضی (د ۱۱۷۰ ق) که سیره المتوکل علی الله القاسم بن حسین حسنی صنعانی (د ۱۱۳۹ ق) است. این کتاب را به نام اقرط اللجين فی سیره المتوکل القاسم بن الحسين نام برده اند؛ السلوک الذهبية فی السيرة المتوكلية از سيد بدرالدین محمد بن ابراهیم شبا یمنی (د ۱۰۸۵ ق) که سیره جدش المتوکل علی الله یحیی شرف الدین (د ۹۶۵ ق) است؛ السيرة المتوكلية المحسنية از سيد محمد بن اسماعیل

کبسی خولانی (د ۱۳۰۸ ق) که مشتمل بر سیره المتوکل علی الله محسن بن احمد (د ۱۲۹۵ ق) است؛ سیره الامام المنصور از سيد علی بن الحجازی الصعدی که سیره المنصور بالله احمد بن هاشم الویسی (د ۱۲۶۹ ق) است؛ جدا از سیره ابوفراس بن دعثم، سیره ای دیگر برای المنصور بالله عبدالله بن حمزه (د ۶۱۴ ق) می شناسیم از جمال الدین علی بن نشوان حمیری؛ سیره الامام المنصور از سيد حسام الدین محسن بن الحسن روضی پیشگفته که سیره الامام المنصور الحسين بن المتوکل است؛ سیره الامام المنصور از قاضی محمد بن اسماعیل الخیانی که سیره احمد بن هاشم ویسی پیشگفته است و آن را قاضی محمد بن علی وحیش الصنعانی تهذیب کرده است؛ الجوهره المنيرة از احمد بن حسن جرموزی پیشگفته در سیره امام المؤید بالله محمد بن قاسم المنصور بالله؛ بهجة السور بسیره الامام المنصور از حسین بن احمد عرشی خولانی (د ۱۳۲۹ ق) در سیره امام منصور بالله محمد بن یحیی حمید الدین صنعانی (د ۱۳۲۲ ق)؛ تحفة الفكر و نزهة النظر فی سیره الامام المجدد علی رأس المائة الثالث عشر از عبدالله بن علی عنسی ذماری (د ۱۳۰۱ ق) که سیره الامام المتصور محمد بن عبدالله الوزير (د ۱۳۰۷ ق) است؛ الذر المنثور فی سیره الامام المنصور از قاضی علی بن عبدالله اریانی (د ۱۳۲۳ ق) و به نظم در سیره امام محمد بن یحیی حمید الدین پیشگفته؛ ذرر نحوالحوار العین بسیره الامام المنصور و اعلام دولته الميامین از لطف الله بن احمد حجاج صنعانی (د ۱۲۴۳ ق) که سیره امام المنصور علی بن العباس (د ۱۲۲۴ ق) است؛ سیره الامام المهدي از سيد شرف الدین یحیی بن القاسم حسنی که سیره امام المهدي لدین الله احمد بن حسین یمنی (د ۶۵۶) است؛ الغیر الهندی فی سیره الامام المهدي که تألیف یحیی بن المطهر حسنی صنعانی (د ۱۲۶۸ ق) است و نمی داند سیره کدام مهدی است؛ کنز الحکماء و روضة العلماء از حسن بن احمد ابن المرتضی



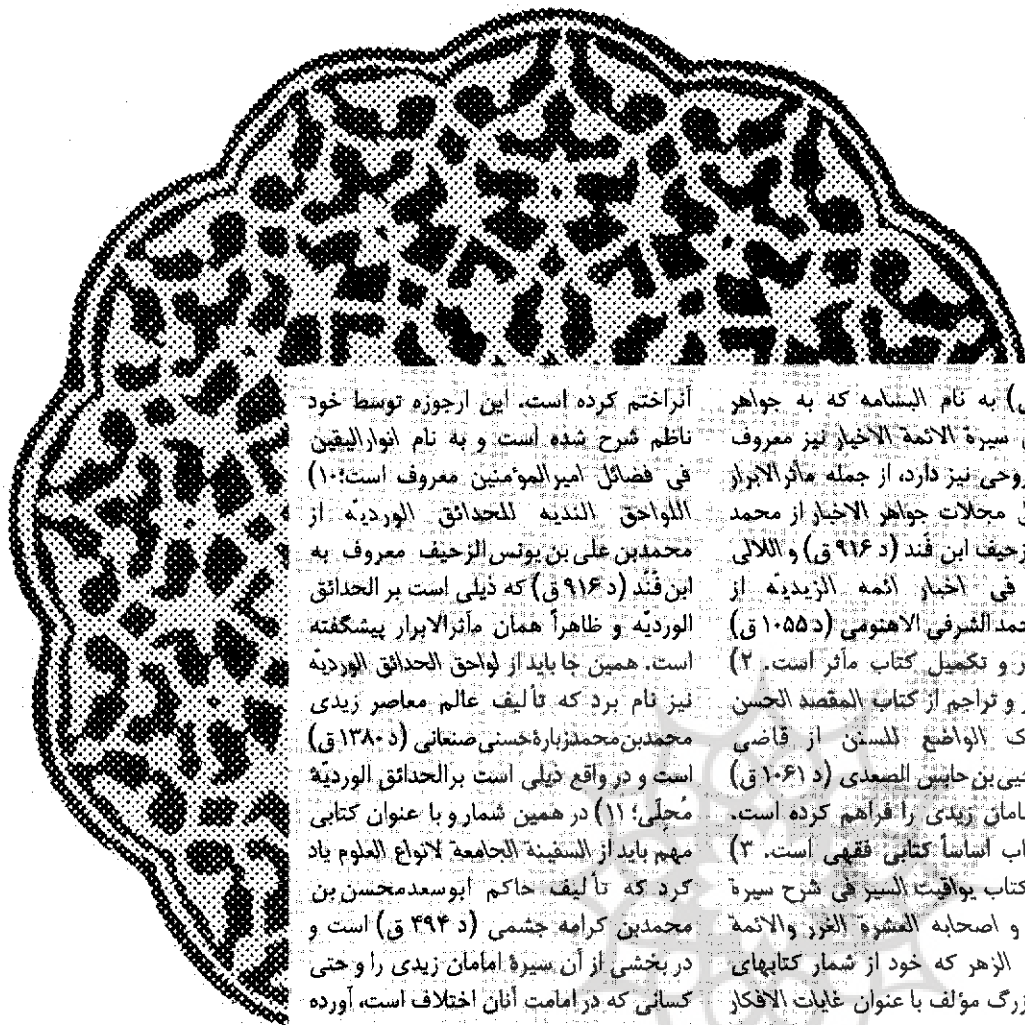


حسنى كه سيرة پدرش عالم معروف زیدى، يعنى المهدي احمد بن يحيى ابن المرتضى (د ۸۴۰ ق) است؛ سيرة الامام الناصر از احمد بن شايح الدعامى اللوزى (ق ۱۱) است كه سيرة امام الناصر للدين حسن بن على حسنى (د ۱۰۲۴ ق) است؛ نزهة البصائر فى سيرة الامام الناصر از محمد بن حسين مرهبي جيلى (د ۱۱۱۳ ق)؛ كريمة العناصر فى الذب عن سيرة الامام الناصر از السيد الهادى بن ابراهيم الوزير (د ۸۲۲ ق)؛ همين مؤلف كتابى دارد با عنوان كاشفة الغمة فى الذب عن سيرة امام الائمة كه هر دو كتاب درباره سيرة امام الناصر للدين الله محمد بن المهدي على بن محمد (د ۷۹۳ ق) است.

و از عناوين مباحثى كه در كتاب اخير به نظر مى رسد، چنين بر مى آيد كه كتاب ضمن پرداختن به سيرة امام الناصر محمد، به درونمايه اساسى كتب سير توجه داشته و در واقع به جاگاه امام در امت / جماعت و تعامل امام و امت پرداخته است. در مقاله ديگرى كه در باب سير نوشته ام و هنوز به چاپ نرسيده، به اين نکته تذكر داده ام كه اساساً يكى از اهداف كتب سير، بحث از مشروعيت امام و تبين آن و توضيح وظيفه تاريخى امام در تاريخ مقدس دعوت است. با توجه به نزاعها و چالشهايى كه حتى در ميان خود فاطميين زيدى خاصه در يمن در دستيابى به قدرت وجود داشته است، هر يك مى كوشيدند دلايل مشروعيت خود از جمله علم و اجتهاد و غيره را به درستي به پيروان توضيح دهند و كتب سيره عموماً مشتمل بر چنين مباحثى هست، خصوصاً در مورد ائمة زيدى متنازع فيه. اتفاقاً درباره اين امام زيدى اختلاف نظر بوده و ميان او و داود امير صنعاء از اولاده عبدالله بن حمزه جنگهايى به وقوع پيوست. در همين راستا از كتاب الحسام المشهور فى الذب عن دولة الامام المنصور از محمد بن ابراهيم الوزير (د ۸۴۰ ق) ياد مى كنم كه در دفاع از امام المنصور على بن محمد صلاح الدين (د ۸۴۰ ق) است

كه بر او انتقاد مى كردند كه از دانش اندكى برخوردار است. قلاند الجواهر فى سيرة الامام الناصر از قاضى احمد بن محمود صنوبى صنعانى (د ۱۱۱۵ ق) به نظم در سيرة امام الناصر المهدي صاحب المواهب (حك تا ۱۱۳۰ ق)؛ سلافة المعاصر فى نبذة من سيرة الامام الناصر از قاضى احمد بن اسماعيل العلقي (د ۱۲۸۲ ق) كه سيرة امام الناصر عبدالله بن حسين (حك تا ۱۲۵۶) است؛ الذخائر فى سيرة الامام الناصر از ابوالحسن ناصرى؛ سيرة الامام الناصر از سيد علي بن سليمان حمزى در سيرة امام الناصر للدين الله محمد بن المهدي (حك تا ۷۹۳ ق) كه پيشتر نامش گذشت؛ الروض النادى فى سيرة الامام الهادى از سيد محسن بن عبدالكريم حسنى صنعانى (د ۱۲۶۶ ق)؛ المواهب السنية و الفواكه الجنية من اغصان الشجرة المهديّة و المتوكليه از سيد حسن بن عبدالرحمن كوكبانى در سيرة خاندان جدش امام المهدي احمد بن يحيى و نيز جدش امام المتوكل على الله يحيى شرف الدين و علمائى زيدى؛ تحفة الاسماع و الابصار بما فى السيرة المتوكليه من الاخبار درباره سيرة امام المتوكل اسماعيل بن محمد معروف از مطهر بن محمد جرهموزى كه پيشتر نامش رفت؛ جواهر الدرالممكنون در سيرة محمد بن عبدالله الوزير از محمد بن اسماعيل كيسى دانشمند معروف كه به چاپ هم رسيده است؛ شرح الصدور و حقائق الزهور فى سيرة الامام المنصور كه مؤلفش را نمى شناسم و در سيرة امام المنصور حسين بن قاسم شهارى (د ۱۱۳۱ ق) است. از ديگر كتب سير، رساله اى از ناصر بن احمد بن المتوكل المطهر بن يحيى است درباره اخبار جدش المتوكل (د ۶۹۷ ق) و نيز امام المهدي محمد بن المطهر (د ۷۲۸ ق) و المنتصر بالله ابراهيم بن المطهر در ۱۶ برگ كه در عكس آنرا در بيروت سراغ دارم. چنانكه گذشت جدا از سبرى كه عموماً براى هر يك از امامان زيدى نوشته مى شد،

كتابهائى توسط برخى از علما و امامان زيدى نوشته شد كه حاوى جمع اخبار و سير امامان زيدى بود و اين كتابها به عنوان منبعى براى فقه و كلام زيدى به شمار مى آمد. در اين گونه كتابها در کنار بحث از اخبار امامان زيدى، فصلى نيز به سير آن امام اختصاص مى يافت. در مورد كتاب الافادة كه يكى از همين نوع كتابها است، وضع به همين منوال است. پيش از ابوطالب هارونى، استادش ابوالعباس احمد بن ابراهيم بن الحسن حسنى عالم بزرگ زيدى مذهب (د ۳۵۲ ق) در زمينه سير امامان زيدى، كتاب المصاييح را نگاشت كه البته به دليل مرگ او، بخش تاليف شده توسط وى تنها تا اخبار يحيى بن زيد و رفتن او به خراسان است و مابقى را شاگرد نامدارش على بن بلال املى براساس روايات استادش و برخى روايات ديگر كه در اختيار داشت، تكميل كرد. على بن بلال كتاب را براساس نظامى كه استادش براى كتاب تنظيم کرده بود، تكميل نمود و كتاب را به اخبار ناصر كبير اطروش حسن بن على (د ۳۰۴ ق) پايان داد. ابوالحسن على بن بلال املى صاحب كتابهايى است از جمله الوافر فى مذهب الناصر كه فقه ناصر كبير اطروش است و نيز الوافى على مذهب الهادى و الموجز الصغير، از ديگر كتابهايى اوست. ولى مهمترين كتاب او همانا شرح الاحكام است كه شرح كتاب الاحكام الهادى الى الحق در فقه است. درباره ابوالعباس حسنى مؤلف المصاييح در اينجا چيزى نمى گويم و خواننده را به مقاله اى كه درباره المصاييح نوشته ام، ارجاع مى دهم. بهر حال ذكر اين نکته ضرورى است كه المصاييح از مآخذ كتاب الافاده هارونى است و از خود كتاب المصاييح چندين نسخه باقى مانده، از جمله ۲ نسخه در كتابخانه متوكليه در جامع كبير صنعاء و دو نسخه نيز در امپروزيانا، مادلونگ در كتاب اخبار ائمة الزيدية، اخبار يحيى بن عبدالله محض و امام الناصر اطروش را از اين كتاب استخراج کرده و به چاپ رسانيده است. كما



آنرا ختم کرده است. این ارجوزه توسط خود ناظم شرح شده است و به نام انوار الیقین فی فضائل امیرالمؤمنین معروف است؛ (۱۰) اللواحق النذیه للحدائق الوردیه از محمد بن علی بن یونس الزحیف معروف به ابن قنَد (د ۹۱۶ ق) که ذیلی است بر الحدائق الوردیه و ظاهراً همان مآثر الابرار پیشگفته است. همین جا باید از لواحق الحدائق الوردیه نیز نام برد که تألیف عالم معاصر زیدی محمد بن محمد زبارة حسنی صنعانی (د ۱۳۸۰ ق) است و در واقع ذیلی است بر الحدائق الوردیه محلی؛ (۱۱) در همین شمارو با عنوان کتابی مهم باید از السفینة الجامعة لانواع العلوم یاد کرد که تألیف حاکم ابوسعید محسن بن محمد بن کرامه جشمی (د ۴۹۴ ق) است و در بخشی از آن سیره امامان زیدی را و حتی کسانی که در امامت آنان اختلاف است، آورده است. امید که این کتاب هر چه زودتر به چاپ رسد. بسیاری از سیرنویسان زیدی از این کتاب بهره برده‌اند، مانند ابن حابس در المقصد الحسن و نیز دیلمی در قواعد عقائد آل محمد و نیز ابن مظفر در الترجمان. که از آنها پیش از این نام بردیم. نسخ این کتاب را به دلیل اهمیت کتاب یاد می‌کنیم: نسخه‌ای در آمبروزیانا و دیگری در صنعاء و برخی نسخ دیگر که عدنان زرزور در کتابش پیرامون مؤلف و نیز استاد مدرسی در مقدمه‌ای که بر رساله ابلیس نوشته‌اند، یاد کرده‌اند؛ (۱۲) همچنین باید از حلیة الابرار المصطفین الاخبار همین مؤلف یاد کنم که عکس نسخه ۴۳ برگی آنرا در بیروت سراغ دارم و استاد مدرسی از آن یاد نکرده‌اند و شاید با مسالک الابرار موجود در کتابخانه ناصریه هند یکی باشد و بهر حال در این مورد در مقاله دیگر که درباره حاکم جشمی نوشته‌ام و هنوز تکمیل نشده، بررسیهای لازم را انجام داده‌ام ولی تا دیدن اصل نسخ این دو کتاب سخن گفتن درباره آن مشکل است، (۱۳) خوبست در همین جا از تاریخ بنی الوزیر از احمد بن عبدالله بن احمد (الوزیر)

(د ۹۱۴ ق) به نام البسامه که به جواهر الاخبار فی سیره الائمة الاخبار نیز معروف است و شروخی نیز دارد، از جمله مآثر الابرار فی تفصیل مجالات جواهر الاخبار از محمد بن علی الزحیف ابن قنَد (د ۹۱۶ ق) و اللالی المصیبة فی اخبار ائمه الزیدیه از احمد بن محمد الشرفی الاهنومی (د ۱۰۵۵ ق) که اختصار و تکمیل کتاب مآثر است. (۲) بخش سیر و تراجم از کتاب المقصد الحسن و المسلك الواضع للسنن از قاضی احمد بن یحیی بن حابیس الصعدی (د ۱۰۶۱ ق) که سیر امامان زیدی را فراهم کرده است. گر چه کتاب اساساً کتابی فقهی است. (۳) بخشی از کتاب یواقیت السیر فی شرح سیره سیدالبشر و اصحابه العشرة الغرر والائمة المنتجین الزهر که خود از شمار کتابهای موسوعه بزرگ مؤلف با عنوان غلیات الافکار و نهایات الانظار است. مؤلف این کتاب امام المهدی احمد بن یحیی المرتضی (د ۸۴۰ ق) است و عنوان بخش مربوطه کتاب یواقیت، ریاض الفکر فی شرح سیره العترة المنتجین الزهر است؛ (۴) سیره الائمة از بهاءالدین یوسف بن الحسن الدیلمی که حسینی از آن نام برده است (۲/۱۰۶)، (۵) بخشی از الشافی المنصور بالله عبدالله بن حمزه (د ۶۱۴ ق) که به چاپ هم رسیده است؛ (۶) بخشی از قواعد عقاید آل محمد (ص) از عزالدین محمد بن احمد بن حسن دیلمی (د ۷۱۱ ق)؛ (۷) بخشی از کتاب الترجمان المفتوح لثمرات کرائم البستان از قاضی محمد بن احمد بن یحیی بن مظفر الحممدی (د ۹۲۵ ق)؛ (۸) تحفة الابرار من اخبار العترة الاطهار از احمد بن سعد الدین المسوری (د ۱۰۷۹ ق)، وی در این کتاب از جلاء الابصار حاکم جشمی (د ۴۹۴ ق) گزیده مشروخی را در باب امامان زیدی آورده که موجب اهمیت کتابش می‌باشد. من در مقاله‌ای دیگر در باب این جلاء الابصار سخن گفته‌ام؛ (۹) قسمتی از ارجوزه بلند المنصور بالله حسن بن بدرالدین محمد (د ۶۷۰ ق) که به سیره امام المنصور عبدالله بن حمزه (د ۶۱۴ ق)

اینکه ماهر جرّار در پایان کتاب اخبار فخّ (بیروت، ۱۹۹۵ م) اخبار حسین فخی، یحیی بن عبدالله و برادرش ادریس را از کتاب المصایب استخراج کرده و به چاپ رسانیده است. البته شرح حال این امامان طبعاً از تکملة علی بن یلال اقتباس شده است و نه از اصل تألیف ابوالعباس حسنی. در شمار کتابهای اخبار و سیر امامان، باید در همین جا از کتاب الحدائق الوردیه فی مناقب ائمة الزیدیه یاد کنیم که تألیف حمید بن احمد المحلی (د ۶۵۲ ق) است و در دنباله سنت کتابهای المصایب و الافاده نوشته شده است. محلی در این کتاب سیر امامان زیدی را تا روزگار امام المنصور بالله عبدالله بن حمزه (د ۶۱۴ ق) به تفصیل آورده است و از مأخذ و منابع متعددی بهره برده از جمله مقاتل الطالبیین و الافاده ابوطالب هارونی. در سیره خود ابوطالب هارونی از کتاب جلاء الابصار حاکم جشمی (د ۴۹۴ ق) بهره برده است. چنانکه در مورد سیره برادر این ابوطالب، یعنی المؤید بالله ابوالحسین هارونی از سیره او به قلم المرشد بالله بهره برده است. بهر حال منابع و مأخذ کتاب محلی بسیار است که در اینجا مجال پرداختن به آن نیست. این کتاب متأسفانه تا به حال جز بخشهایی از آن به شکل محققانه به چاپ نرسیده است و تنها به شکل اوفست از روی نسخه خطی مکتوب به سال ۱۳۵۷ به سرمایه داراسامه دمشق (۱۴۰۵ ق / ۱۹۸۵ م) به چاپ رسیده است. این در حالی است که نسخ فراوانی از کتاب الحدائق الوردیه موجود است. خوشبختانه استاد مادلونگ زندگینامه‌های امامان منطقه طبرستان را از کتاب الحدائق الوردیه استخراج کرده و با تصحیحی انتقادی در ضمن کتاب اخبار ائمة الزیدیه به چاپ رسانیده است. در اینجا اجمالاً برای معرفی دیگر کتابهایی که زیدیه پیرامون سیر امامان خویش نوشته‌اند، اطلاعاتی عرضه می‌شود؛ (۱) تاریخ منظوم صارم الدین ابراهیم بن محمد الوزیر الصنعانی

(د ۹۸۵ ق) یادکنم که تکمیل کتاب جدش محمدبن العقیف بن الوزير بوده است و عکس نسخه ۱۵۳ برگی آنرا در بیروت سراغ دارم و طبعاً در این دو کتاب سیر امامان بنی‌الوزیر آمده است؛ (۱۴) همچنین باید از علم الافاده فی تاریخ ذوی الشرف و الساده از الناصرین عبدالحفیظین عبدالله بن المهدی (د حوالی سال ۱۰۶۰ ق) یاد کرد که مشتمل بر سیر است؛ (۱۵) همچنین یحیی حمید یعنی یحیی بن محمد بن الحسن المذحجی (د ۹۹۰ ق) کتاب نزهة الاطظار فی ذکر ائمة الزیدیه الاطهار دارد که نسخه آن در جامع کبیر صنعاء (شماره ۹۰ مجامیع) موجود است. این شماری از کتب سیر امامان زیدی بود که در واقع اخبار سیر هر یک از ائمه را که پیروان و نزدیکان هر امام برای او می‌نوشتند، در خود جمع می‌کرده است.

پس از معرفی این گونه کتابها که الافاده هارونی از کهنه‌ترین نمونه‌های آن است، به معرفی دو ذیل بر کتاب الافاده می‌پردازیم: یکی ذیلی که یحیی بن علی الحسینی القاسمی (د پس از ۱۱۰۴ ق) بر کتاب الافاده نوشته و امامان زیدی را تا سال ۱۰۸۷ ق. معرفی کرده است و دیگری ذیلی بر همین کتاب قاسمی از قاضی علی بن محمد العابد الصنعانی (د قبل از ۱۱۸۹ ق) که از امام المهدی محمدبن احمدبن الحسن بن القاسم شروع کرده و به حوادث سال ۱۱۸۴ ق. کتاب را پایان داده است. این کتاب به تهذیب الزیاده لتاریخ الائمة السادة معروف است و از منابع کتاب نشر العرف این زیاره می‌باشد. در اینجا مختصراً درباره ابوطالب هارونی توضیحاتی می‌دهیم و تفصیل را به مقاله‌ای دیگر وامی‌گذاریم: امام الناطق بالحق ابوطالب یحیی بن الحسین بن هارون هارونی حسنی، در سال ۳۴۰ به دنیا آمد و از محضر ابوالعباس حسنی زیدی، عالم نامدار و صاحب المصایب و کتب مهم فقهی زیدی؛ ابو عبدالله بصری متکلم نامداری معتزلی و استاد قاضی عبدالجبار معتزلی؛ ابن عدی محدث مشهور

کرده و به ترتیب ابواب فقهی گردآورده است. متأسفانه این کتاب هنوز به چاپ نرسیده است. خود وی این کتاب را شرح کرده که به شرح التحریر معروف است، در ۱۲ جلد که به گفته عبدالله بن حمزه جامع ادله و شروط و علل و اسباب است. در این کتاب او به تأیید فقه الهادی پرداخته است و به ترجیح اقوال او بر دیگر فقیهان اهتمام ورزیده است؛ زیادات شرح الاصول در علم کلام؛ الدعامة فی الامامة در موضوع امامت که در مقاله‌ای دیگر به آن پرداخته‌ام و البته ناجی حسن محقق عراقی به اشتباه آنرا تحت عنوان نصره مذاهب الزیدیه و منسوب به صاحب بن عبّاد به چاپ رسانده که بی تردید بی‌پایه است و می‌باید دیگر بار با نسخ متعدد کتاب الدعامة مقابله و به چاپ رسد؛ جوامع الادلة فی اصول الفقه؛ التذکرة فی فروع الفقه (نک: جنداری، رجال شرح الازهار، ۴/۱)، شرح البالغ المدرک که اخیراً به چاپ رسیده است و شرحی است بر کتاب الهادی الی الحق؛ الامالی در حدیث که به تبویب و روایت جعفر بن احمد بن عبدالسلام (د ۵۷۷ ق)، عالم بزرگ زیدی قرن ۶ ق. به دست ما رسیده و به نام تیسید المطالب فی امالی الامام ابی طالب به چاپ رسیده است و بالاخره کتاب الناطم فی فقه الناصر در فقه ناصر کبیر اطروش.

### پانوشتها:

۱- نک: حسن انصاری قمی «تاریخ مسلم لحنی، مجله معارفه دوره پانزدهم، شماره ۳، آذر - اسفند ۱۳۷۷ ش، ص ۱۳۵ به بعد.

سنی؛ شیخ مفید، دانشمند بلند پایه امامیه و دیگران، کلام و اصول فقه و فقه و حدیث آموخت و در این علوم صاحب نظر شد. او برای طلب علم از طبرستان به بغداد سفر کرد. وی پس از درگذشت برادرش ابوالحسین المؤید بالله هارونی در سال ۴۱۱ ق. در طبرستان به امامت خویش فراخواند. او مدتی نیز در جرجان تدریس می‌کرده است. پس از عمری ۸۴ ساله و پس از گذشت ۱۳ سال از امامتش در سال ۴۲۴ ق. در یکی از مناطق دیلم درگذشت و در جرجان مدفون شد. از او فرزندی به نام ابوهاشم محمد به جای ماند. از میان آثار مشهور و مورد توجه زیدیه بعدی می‌توان المبادی فی علم الکلام (نک: الشافی عبدالله بن حمزه، ۱/۳۳۴)؛ المجزی فی اصول الفقه در ۲ جلد، التحریر فی فروع الفقه که در آن مسائل فقه قاسم و الهادی و دو فرزند هادی یعنی ناصر و مرتضی را جمع

